

محمدپور، احمد، ۱۳۲۹

شعر دوست / احمد محمدپور.

مشخصات نشر: شیراز: همارا، ۱۴۰۰

مشخصات ظاهری: ۷۲ ص؛

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۲۸-۶۴-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴

رده کنگره: PIR ۸۳۶۱

رده دیویی: ۸۶۲/۸۱۶

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۵۰۱۱۶

شعر دوست

احمد محمد پور

www.ketab.ir



۱۴۰۰

انتشارات همارا

تلفن: ۰۹۱۷۷۱۱۱۷۸ - ۰۹۱۷۷۱۱۱۷۸

www.hamaralib.ir

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۲۸-۶۴-۳

ناظر چاپ: مریم رهبر

طرح جلد: لادن دانایی

لیتوگرافی و چاپ: دنیا

صفحه آرای: انتشارات همارا

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

© تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید دوباره آن، همگی و یا بخشی از آن به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه ناشر و نویسنده ممنوع است.

سخن ناشر

احمد محمدپور اهل کازرون است. کازرون یادآور طبیعت بکر و روح افزای سرزمین پارس و مردمانی خون گرم، پر جنب و جوش و سخت کوش است. هرگاه واژه کازرون را بر صفحه کتابی می بینم بی اختیار به یاد آثار به جای مانده از روزگاران پر رونق این دیار می افتم. از سمت شمال و شمال شرق در منطقه ای مشرف بر دشتی که شهر کازرون بر بستر آن آرمیده است، در دامنه کوه و در مجاورت رودخانه ای پر آب ویرانه های شهری نمایان است که میراث گران بهایی از تمدن و رونق زندگی پیشینیان این منطقه را به رخ می کشد. شهر پیشاپور بر کناره ی رودخانه ای که از دل تنگه ای پر رمز و راز می جوشد و برای آن خطه برکت، آبادانی و زندگی سرشار از کامیابی به ارمغان می آورد. تنگه پر پیچ و خم چوگان و رودخانه ی پر آب شاپور از انتهای کوه های سر به فلک کشیده به دشت هموار و حاصلخیز آن دیار می رساند اگر زبان بگشاید داستان ها و حکایت های بی شمار و پر اسراری باز خواهد گفت: از غاری که بر بلندای کوه پیکره ی شاپور اول از پادشاهان مقتدر ساسانی را به آغوش کشیده، محافظت کرده و پس از قرن ها به تاریخ معاصر سپرده است. از نقش برجسته هایی که بر دیواره های ستبر تنگه نقشی از غرور و اقتدار این سرزمین را آفریده اند. از سبزی و خرمی زمین های پیرامون شهر که زندگی و

شادکامی را برای اهالی آن سرزمین هدیه آورده است. از طبیعت بکر و زیبای کوه‌ها و دشت‌های سرسبز.

کازرون، این شهر پرهیاهو، بر دامان سرزمینی خفته است که گویی همه‌ی زیبایی‌های طبیعی را یکجا در اطراف خود جمع کرده است. سال‌هایی نه چندان دور دریاچه‌ی پریشان در شرق این شهر، زیباترین مناظر طبیعی را از هم‌آغوشی کوه، دشت و دریا به تصویر می‌کشید. بیشه‌ها و جنگل‌های رازدارش زیستگاه گونه‌های مختلف جانوری و پرندگان مهاجر بود و سایه درختان انبوهش پناهگاهی برای عشق ورزیدن، آرمیدن و رهیدن جوانان آن دیار از شر مزاحمان و محتسبان. افسوس که چند سالی است خشکسالی و عوامل انسانی در ناقوس مرگ این طبیعت بکر و این دریاچه‌ی هزار رنگ دمیده است.

اگر به اشعار احمد محمدپور نگاهی بیفکنیم در جای جای آن به رد پای عشق او به این تاریخ بشکوه، این میراث ماندگار و این طبیعت زیبا برمی‌خوریم. احمد محمدپور دل در گرم این شهر و دیار، تاریخ و شکوه گذشته آن دارد. او در غزل برگ تاریخ از شکوه و گذشته پر فخر و میراث ماندگار وطن سخن می‌گوید:

آن همه شوکت و سربلندی	حک شده در دل طاق بستان
از سرافرازی طاق کسری	وز بلندای این طاق ایوان
از نقوش به جا مانده بر کوه	در خم دخمه‌ی تنگ چوگان
فخر تاریخ خود وانهادیم	اقتدار کهن گشت پنهان

احمد محمدپور با طبع شاعرانه‌ای که دارد از نابودی آن همه سرسبزی و خرمی دیارش رنج می‌برد و در رؤیای خویش سرسبزی و طراوت دوباره‌ی شهرش را می‌پروراند.